



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 36, Issue 1, No.97, Spring 2025, pp 101-124

Received: 03.08.2024 Accepted: 17.01.2025

Research Paper

Sociological Explanation of Factors Affecting the Prevalence of Child Marriage (Case Study: Dishmok City)

Nasrollah Nosratikhah

M.A. in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
nosrati.sociology@gmail.com

Seyyed Samad Beheshti * 

Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Yasouj, Yasouj, Iran
sbeheshti@yu.ac.ir

Maryam Mokhtari

Associate professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Yasouj, Yasouj, Iran
mmokhtari@yu.ac.ir

Introduction

Marriage is often pursued to enhance one's quality of life and is a common practice among humans. A troubling manifestation of this is child marriage, which refers to formal or informal unions involving individuals, who have not yet reached the legal marriage age. This practice not only leads to severe physical and psychological harm for those involved, but also acts as a catalyst for various social issues. Given the significant influence of culture and societal norms on the prevalence of child marriage, this study aimed to investigate the social factors contributing to this phenomenon in Dishmok, a city in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province.

Materials & Methods

This research employed a quantitative methodology, utilizing a survey approach for data collection. The statistical population included all urban and rural households in Dishmok City, totaling 4,711 households. Data were collected using a researcher-developed questionnaire administered to a sample of 355 individuals selected through a multi-stage random sampling technique. Data analysis was conducted using variance-based Structural Equation Modeling (SEM) facilitated by Smart PLS and SPSS software.

Discussion of Results & Conclusion

The findings of this study revealed a pervasive situation of economic poverty in the region. The inclination toward child marriage among the residents of Dishmok was notably higher than the average. The comparison of means indicated that the propensity for child marriage was greater among married individuals than among those who were single. The variables of patriarchal attitudes, conventional religiosity (which represented a patriarchal interpretation of religion and religious narratives), and legal support had positively

influenced the tendency toward child marriage. Conversely, awareness of the consequences of child marriage, along with levels of education and income, had served to decrease this tendency. Overall, the variables examined in this study accounted for approximately 78.7% of the variance in the inclination toward child marriage. Moreover, moderation analysis based on gender showed that the studied variables explained 75.8 and 85.9% of the variance in child marriage tendencies among males and females, respectively. Notably, differences in patriarchal attitudes and awareness of the consequences of child marriage were significant factors in this regard. The results of this research supported feminist theory, which posits that in patriarchal societies characterized by authoritarian structures, men serve as the primary decision-makers within the family. Specifically, the responsibility for granting permission for daughters to marry predominantly rests with male family members, particularly fathers, who exert control over the timing, age, and selection of their daughters' spouses.

The overarching conclusion of this study indicated that economic deprivation, a prevalent characteristic among the region's population combined with a dominant patriarchal

* Corresponding author

Nosratikhah, N., Beheshti, S., & Mokhtari, M. (2025). Sociological explanation of factors affecting the prevalence of child marriage (Case Study: Dishmok City). *Journal of Applied Sociology*, 36(1), 101-124. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.142223.2535>



mindset—particularly one that was often accepted by women—had fostered an environment conducive to the proliferation of child marriage. Additionally, the widespread acceptance of customary religiosity, which promoted early marriage and reinforced male dominance, had further facilitated the conditions that enabled child marriage to thrive. The cohesive nature of rural and traditional lifestyles, along with societal beliefs that endorsed a marriage age lower than the national average, had created a favorable psychological environment for such unions. The interplay of these factors, alongside relatively weak legal frameworks aimed at deterring child marriage—especially regarding enforcement—had collectively contributed to its persistence in the region. The findings of this study suggested that preventing child marriage in this area could be achievable if initial efforts focused on alleviating economic poverty

through increased income levels and enhanced educational opportunities. By raising awareness about the detrimental effects of child marriage, communities can cultivate a more informed populace. Furthermore, a nuanced and accurate interpretation of religious texts, free from the biases of specific interest groups, can significantly mitigate this harmful practice, with progressive religious leaders playing a vital role in this task. Finally, establishing stringent laws aimed at curbing child marriage coupled with diligent oversight of their enforcement by governmental authorities represented a critical strategy derived from this study's findings to combat child marriage and its associated negative effects.

Keywords: Child, Marriage, Child Marriage, Dishmok City.



مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شیوع کودک‌همسری (مورد مطالعه: شهر دیشموک)

نصرتی خواه، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج،

ایران

nosrati.sociology@gmail.com

سید صمد بهشتی ، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، ایران

sbeheshty@yu.ac.ir

مریم مختاری، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

mmokhtari@yu.ac.ir

چکیده

ازدواج و همسرگزینی با هدف داشتن زندگی بهتر در نوع بشر عمومیت دارد و نوع خاصی از آن که کودک‌همسری نامیده می‌شود، بسیاری از تحقیقات در علوم مختلف را به خود اختصاص داده است و از ابعاد مختلف بررسی شده است. از آنجاکه فرهنگ و جامعه در بروز این پدیده اثرگذار هستند، این تحقیق در نظر دارد برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن را بررسی کند. جامعه آماری این تحقیق کلیه خانوارهای شهری و روستایی شهر دیشموک به تعداد ۴۷۱۱ خانوار است. داده‌های این تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته در بین نمونه ۳۵۵ نفری جمع‌آوری شده و با تکنیک مدلسازی معادله ساختاری واریانس‌محور و با استفاده از نرم‌افزارهای Smart PLS و SPSS تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد تمایل به کودک‌همسری در بین ساکنان دیشموک بیشتر از سطح متوسط است و متغیرهای نگرش‌های مردسالارانه، دینداری عرفی، حمایت قانونی اثر مثبتی بر تمایل به کودک‌همسری دارد و آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری و سطح تحصیلات و نیز سطح درآمد تمایل به این نوع ازدواج را کاهش می‌دهد. درمجموع متغیرهای مطالعه‌شده در این بررسی توانسته‌اند، حدوداً ۷۸/۷ درصد از تغییرات گرایش به کودک‌همسری را تبیین کنند. نتیجه اینکه مادامی که گفتمان سنت‌گرایی، برداشت سنتی عرفی از دین و مردسالاری در این منطقه غلبه داشته باشد، زنان و دختران با این پدیده درگیر خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: کودک، ازدواج، کودک‌همسری، دیشموک

⁻ نویسنده مسئول:

نصرتی خواه، نصرتی، بهشتی، سید صمد و مختاری، مریم. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شیوع کودک‌همسری (مورد مطالعه: شهر دیشموک). جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۶(۱)، ۱۰۱-۱۲۴. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.142223.2535>



مقدمه و بیان مسئله

نیاز به ایجاد روابط انسانی یکی از نیازهای ضروری انسان است و ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به تمامی نیازها اعم از مادی و معنوی است و یکی از مراحل تکامل انسان محسوب می‌شود. ازدواج پدیده‌ای تاریخی است که مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده است. این پدیده و تشکیل خانواده از جمله رخدادهای مهم و اساسی حیات بشری و لازم جامعه انسانی در طول تاریخ بوده است؛ از این رو، علاوه بر ادیان و مذاهب، علوم چون تاریخ، جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، تعلیم و تربیت و... به آن توجه کرده‌اند (محمدپور و تقوی، ۱۳۹۲).

ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. در اصطلاح حقوقی، ازدواج عبارت است از رابطه‌ای حقوقی که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌شود و به آنها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶). استروس^۱ معتقد است ازدواج برخوردی دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی است. گوتنر^۲ ازدواج را دارای منشأ زیستی و جسمانی می‌داند. گذشته از این چهار خصلت (ارتباط جسمانی، تخالف جنسی، پایایی و قرارداد اجتماعی)، ازدواج ارتباطی را می‌رساند که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی دارای تامیتی است بی‌نظیر. ازدواج و قرارداد ناشی از آن دارای نوعی تقدس است. برخی تا آنجا پیش می‌روند که تقدس زوجیت را مهم‌ترین وجه تمایز آن از دیگر روابط بین انسان‌ها می‌دانند (ساروخانی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۶).

ازدواج عملی ارادی و تابع ترجیح‌ها و دیدگاه‌های فردی است؛ اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامون، شرایط وقوع ازدواج را در روابط دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد. این تأثیر و تأثرها باعث شده است که دانشمندان در حوزه‌های مختلف به ازدواج به عنوان پدیده‌ای چندوجهی توجه کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۹۱).

یکی از جنبه‌های مهم که می‌توان در ازدواج بررسی کرد،

سن ورود به ازدواج است. این سن عمدتاً بُعدی فرهنگی دارد و ورود به آنها در هر فرهنگی بین زنان و مردان متفاوت است؛ زیرا هر جامعه‌ای درباره شکل پیوند جنسی، قوانین خاص خود را دارد. این قوانین عمدتاً درباره سن ازدواج وضع شده‌اند. بیشتر جوامع سن یا دوره سنی خاصی را برای ازدواج زن و مرد مناسب می‌دانند. ازدواج در سنین پایین منجر به ازدواج زود هنگام می‌شود. این امر از آن رو مهم است که برای زندگی زناشویی، صلاحیت و آمادگی جسمی، روانی و اجتماعی لازم است و ازدواجی که قبل از فراهم شدن این شرایط اتفاق می‌افتد، طرفین عقد نکاح یا یکی از آنها آمادگی جسمی و روانی را برای این امر ندارد (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶).

براساس مفاد کنوانسیون حقوق کودک، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا ۱۸ سالگی قرار دارد؛ اما در برخی کشورها این سن بسته به قوانین خاص آن کشور متغیر است. سازمان بهداشت جهانی کودکی را تا سن ۱۵ سالگی تعریف کرده است. صندوق جمعیت سازمان ملل ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر ۱۸ سال و قبل از این سن اطلاق می‌کند که دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد (احمدی، ۱۳۹۵). در اسناد بین‌المللی، ازدواج کودک از مصادیق ازدواج اجباری تلقی می‌شود؛ زیرا کودک توانایی لازم برای تشخیص و تصمیم‌گیری را به دلیل عدم بلوغ روانی، عاطفی و اجتماعی ندارد.

استفاده از واژه اجبار الزاماً به معنای مجبورکردن کودک به رضایت به ازدواج نیست. حتی اگر کودک از این ازدواج استقبال کند، این رضایت معتبر نیست و این ازدواج اجباری تلقی خواهد شد (غدیری، ۱۳۹۵). ازدواج کودکان یا کودک‌همسری^۳ نوعی ازدواج زودرس رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به سن قانونی وارد پیمان زناشویی می‌شود. اگرچه ازدواج زود هنگام به هر دو دختران و پسران خردسال اطلاق دارد، واقعیت تلخ جامعه، دال بر این است که عواقب و اثرات پدیده کودک‌همسری برای

¹ Strauss

² Gunther

³ Child Marriage

دختر بچه‌ها به مراتب جدی‌تر و خطرناک‌تر است (احمدی ۱۴۰۰). نهاد خانواده همانند دیگر نهادهای اجتماعی دیگر در طول دوره تکامل خود در روند تحولات جامعه‌ای دچار یک سری تغییراتی شده است که بخشی از این تغییرات در حوزه ازدواج رخ داده است. در میان تغییرات فرهنگی و اجتماعی که در حوزه ازدواج رخ داده است، تغییرات در زیست جنسی، حیات عاطفی و سن ازدواج بسیار مهم و درخور تأمل است. در گذشته و در جوامع سنتی معمولاً بنا بر مقتضیات و نیازهای جامعه ازدواج زودهنگام امری رایج و مرسوم بود. گرچه این امر بعضاً دچار مشکلاتی در گذشته می‌شده است، نیاز به نیروی کار و بعضاً طرد و عرف اجتماعی ازسوی جامعه سنتی باعث می‌شد که افراد در سنین پایین تشکیل خانواده بدهند؛ اما با گذشت زمان و با ورود جوامع به دنیای مدرن و تغییرات اجتماعی اقتصادی که در این جوامع رخ داد، همه اینها نوع نگرش افراد به مسئله ازدواج بالانحص سن ازدواج را تحت الشعاع خود قرار داد؛ اما باین وجود هنوز افرادی هستند که در سنین پایین اقدام به تشکیل خانواده می‌کنند که امروزه در ادبیات علمی از آن به‌عنوان پدیده کودک‌همسری یاد می‌شود.

باتوجه به تعریف ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، ازدواج زودهنگام به ازدواج افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود (مقدادی و جواد پور، ۱۳۹۶). اگرچه کودکان و نوجوانان فارغ از جنسیتشان از آسیب‌های این پدیده لطمه می‌بینند، دختران بیشترین قربانیان این پدیده به‌شمار می‌روند (UNICEF, 2007). کودک‌همسر در عرصه‌های جسمی، اجتماعی، روحی، روانی و به‌طور کلی در تمامی ابعاد متعدد انسانی، فرایند بلوغ را طی نکرده است که مسئولیت بزرگی را بر عهده می‌گیرد. تزویج کودکان و آماده‌نبودن برای پذیرش مسئولیت زندگی، آثار و پیامدهای جبران‌ناپذیری در بر دارد. این ازدواج بیشتر فرصت آموزش و تحصیل را از دختران می‌گیرد و باعث می‌شود به‌لحاظ اجتماعی منزوی شوند. آنان در سن پایین مهارت کافی برای زندگی مشترک و مادرشدن ندارند، اشتباهات ازسوی آنها به‌وفور رخ می‌دهد و به‌دلیل عدم بلوغ فکری، در

روابط زناشویی، مادرشدن، مادری‌کردن، مدیریت امور زندگی و مسئولیت‌های سنگین زندگی دچار صدمات بی‌شماری می‌شوند. خشونت‌های جنسی، روانی، جسمی ازسوی همسر و خانواده او با سوءاستفاده از کمی سن و بی‌تجربگی به‌طور مکرر بر دختران تحمیل می‌شود. فعالیت آنها محدود به خانه و بچه‌داری می‌شود و زمینه بروز استرس‌ها و پریشانی‌های روانی را فراهم می‌کند؛ در نتیجه کودک‌عروسان در مطالبه‌گری و احقاق حق ناتوان هستند و نمی‌توانند حق خودشان را مطالبه کنند و سطوح بالایی از پدرسالاری را تجربه می‌کنند (Tallman et al., 2004).

پدیده کودک‌همسری موضوعی جهانی است؛ اما آمارها و نسبت‌های آن، درون مرزهای یک کشور و نیز در میان جوامع مختلف، متغیر است عطف به حمایت و توجه جهانی به این پدیده، سطح ازدواج زودهنگام به‌طور کلی رو به کاهش گذاشته است، هرچند درصد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه خود ازدواج می‌کنند.

آمارهای موجود در زمینه ازدواج کودکان چندان دقیق نیست؛ زیرا در بسیاری از مناطق مراسم ازدواج در درون خانواده صورت می‌گیرد و رسماً به ثبت نمی‌رسد؛ باین حال بنا بر آمار موجود در ایران از سال ۱۳۸۵ تا نیمه اول سال ۱۳۹۴ تعداد ۸۹۰ هزار دختر زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند. در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۵، ۲۹۷۱۰ دختر، زیر سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). در سال ۱۳۹۱ حداقل ۱,۵۳۷ مورد ازدواج دختران زیر ۱۰ سال ثبت شده است که در مقابل آمار ازدواج همین گروه سنی در سال قبل (۷۱۶ مورد) افزایش چشمگیری است. ضمن اینکه تعداد طلاق‌های ثبت‌شده برای دختران زیر ۱۵ سال، به‌طور مداوم از سال ۱۳۹۱ به بعد افزایش پیدا کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). بررسی آمارهای کودک‌همسری در کشور بیانگر آن است که سهم ازدواج دختران در گروه ۱۴-۱۰ به کل ازدواج‌های ثبت‌شده در سال ۱۳۹۰ از ۴/۵ درصد به ۵/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. اسفبارتر این است که تعداد ازدواج‌های زیر ۱۰ سال در کل کشور در سال ۱۳۹۲ از ۲۰۱

فقره به ۲۳۴ فقره در سال ۱۳۹۵ رسیده است (کوهی، ۱۳۹۸).

براساس آمار منتشرشده در گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران در بهار سال ۱۴۰۰ توسط مرکز آمار ایران، تنها در سه‌ماهه نخست سال جاری ۹ هزار و ۷۵۳ دختر زیر ۱۵ سال و ۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله در ایران ازدواج کرده‌اند. از سوی دیگر ازدواج ۶ کودک پسر زیر ۱۵ سال و ۶ هزار و ۵۷۳ پسر ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز در بهار سال جاری در ایران رقم خورده است. طی این مدت ۱۷۲ دختر بچه زیر ۱۵ سال و ۳۰۴۴ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز طلاق گرفته‌اند. همچنین در ۴۳۱۵ مورد از ازدواج‌های صورت‌گرفته در سه‌ماهه نخست سال جاری در ایران، سن مرد حداقل ۱۵ سال از زن بیشتر بوده است. همچنین در ۱۵۸ مورد از ازدواج‌ها نیز سن زن حداقل ۱۵ سال از مرد بیشتر بوده است. مطابق با داده‌های منتشرشده ازسوی مرکز آمار ایران، تعداد ۲۹۳ نوزاد در بهار سال جاری از مادران زیر ۱۵ سال متولد شده‌اند. این آمار برای دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز بیش از ۱۵ هزار تولد نوزاد بوده است. گفتنی است، آمار منتشرشده ازسوی مرکز آمار ایران تنها بیانگر تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده به شکل رسمی و قانونی در دفاتر ثبت اسناد و ازدواج است و ازدواج‌های ثبت‌نشده در آن لحاظ نشده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

وضعیت پیش‌گفته در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز دیده می‌شود. بنا بر گفته مدیرکل ثبت احوال این استان، ۹ مورد ازدواج کمتر از ۱۰ سال طی سال ۱۳۹۷ در این استان ثبت شده است. درخصوص وضعیت سن ازدواج دختران در سطح استان طی سال ۹۶: «دخترانی که زیر ۱۱ سال ازدواج کردند ۱۲ مورد، ۱۲ سال ۲۵ مورد، ۱۳ سال ۶۳ مورد، ۱۴ سال ۱۲۴ مورد، ۱۵ سال ۲۲۵ مورد، ۱۶ سال ۲۵۸ مورد، ۱۷ سال ۳۱۲ مورد و زیر ۱۸ سال ۳۸۴ مورد بوده است (کبنا نیوز، ۱۳۹۷).

ازدواج در سنین پایین پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد. شواهد حاکی از آن است دخترانی که به‌احتمال زیاد زود ازدواج می‌کنند، در خانواده‌های فقیر به سر می‌برند، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و از فرصت‌های محدودی برای آموزش برخوردارند و در نیروی کار مشارکت دارند (Parsons

et al., 2015). صاحب‌نظران علوم اجتماعی معتقدند افرادی که در نوجوانی ازدواج می‌کنند، به‌لحاظ مالی، روان‌شناختی و آموزشی از موقعیت پایین‌ترین برخوردارند و آمادگی کمتری برای پذیرش نقش مادری دارند و از قابلیت‌های لازم برای ایفای نقش همسری بی‌بهره‌اند (ولسدخانی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این عوامل، آنها با منابع و امکانات محدود تحصیلی، تجربه و پختگی زندگی زناشویی را آغاز می‌کنند و در نتیجه در ایفای نقش زناشویی، انتخاب و عاملیت بسیار ضعیف ایفای نقش می‌کنند (Choi et al., 2011).

گود^۱ نیز بر این باور است که با ازدواج زودهنگام دختران ترک تحصیل می‌کنند و دانش و مهارتی در زندگی کسب نمی‌کنند، در بر ساخت هویت خود با مشکل مواجه و با بی‌اعتمادی و اعتمادبه‌نفس پایین متکی به دیگران می‌شوند (گود، ۱۳۸۲). دخترانی که به علت ازدواج زودهنگام ترک تحصیل می‌کنند، دانش و مهارت لازم تعامل اجتماعی را در زندگی کسب نمی‌کنند و در شکل‌دهی به هویت خود با مشکل مواجه می‌شوند و به دنبال نداشتن اعتمادبه‌نفس کافی، همواره متکی به دیگران هستند و از قدرت تصمیم‌گیری بالایی در زندگی برخوردار نیستند؛ بنابراین، با منابع نابرابر وارد زندگی زناشویی می‌شوند و خشونت و تظلم بیشتری را ازسوی همسر و خانواده او تجربه می‌کنند. عروس‌بچه‌ها نیز احتمالاً اختلاف سنی بیشتری با همسرانشان در مقایسه با زنانی دارند که بعد از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند. هریک از این نتایج می‌تواند عدم تعادل قدرت را در ازدواج تشدید کند و استقلال و توانایی تصمیم‌گیری افراد را محدود کند.

اخیراً، تحلیل بررسی‌های جمعیتی و سلامت در چند کشور نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام (در سن کمتر از ۱۵ سال)، زنان را در معرض افزایش انواع خشونت زناشویی و کاهش توانایی تصمیم‌گیری قرار می‌دهد و بین سنین پایین ازدواج و احتمال بالای طلاق رابطه معکوس وجود دارد و هرچه سن ازدواج پایین‌تر باشد، احتمال طلاق بالاتر است. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سن مناسب ازدواج از

¹ Goode

برای ازدواج در سن ۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر، فشارهای اجتماعی و نگاه مردم‌محور و باورهای سنتی و مذهبی است.

همچنین این محقق (۱۴۰۰ب) در تحقیق دیگری با عنوان «چالش‌های ازدواج زودهنگام کودکان در ایران از منظر حقوقی و دینی» ضمن اشاره به آمارهای نگران‌کننده کودک‌همسری در ایران، ابعاد حقوقی و دینی مؤثر یا مانع در بروز کودک‌همسری را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که برای جلوگیری از کودک‌همسری در قدم اول قدرتمندان و سیاست‌گذاران باید از حذف ازدواج زودهنگام کودکان حمایت کنند و موجودیت آن را انکار نکنند. وی در این خصوص توجه خاص به نقش و خواست حکومت و به‌ویژه قوه قضائیه دارد.

همچنین این محقق در سال (۲۰۲۳) «رابطه بین ازدواج موقت و کودک‌همسری در ایران» را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که جامعه مردسالار با استفاده از قدرت مذهب، فرهنگ مردانه خود را در شکل‌گیری کودک‌همسری اعمال می‌کند.

منوچهری (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای «مروری آسیب‌های کودک‌همسری با یک جهت‌گیری روانی-اجتماعی» را بررسی کرد. نتایج نشان داد باوجود هشدارهای زیاد درباره تبعات کودک‌همسری، این پدیده همچنان در جامعه وجود دارد و کودکان زیادی قربانی این‌گونه ازدواج‌ها می‌شوند. ازدواج زودهنگام یا به عبارت متداول امروزی کودک‌همسری نه تنها دارای آسیب‌هایی اجتماعی و روانی است و دامن زن و شوهر را می‌گیرد، بنا به اظهارنظر محققان حوزه‌های مختلف، این پدیده نامتعارف ضربات خود را بر دیگر بخش‌های جامعه هم وارد می‌کند و باعث بروز دیگر آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

زمن‌دی (۱۳۹۹) در طی پژوهشی «عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر کودک‌همسری در شهرستان جغتای در طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷» را بررسی کرد. روش پژوهش حاضر پیمایشی است و نتایج تحقیق نشان داد بین اعتماد اجتماعی و کودک‌همسری رابطه معناداری وجود ندارد. درحالی‌که بین

مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی، ثبات و تعدیل رابطه جنسی است (Tilson et al., 2000).

شهر دیشموک از شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد است که در آن باوجود نبود آمار رسمی، ازدواج در سنین پایین فراوانی دارد و بنابر شواهد محلی تجربه زیسته، شیوع کودک‌همسری در آن زیاد است و به‌ویژه در چند سال اخیر شاهد وقوع این پدیده در این شهرستان هستیم. باتوجه‌به مخاطرات این پدیده از یکسو و از سوی دیگر اهمیت تأثیر عوامل اجتماعی در شکل‌گیری آن، تحقیق حاضر بر آن است تا تأثیر برخی از این عوامل را بر تمایل به کودک‌همسری در این شهر بررسی کند.

پیشینه تحقیق

درباره تمایل به کودک‌همسری تحقیقات مختلفی در خارج و داخل کشور صورت گرفته است. حاجیلو و همکاران (۱۴۰۰) در طی مطالعه‌ای به شیوه کیفی علل زمینه‌ساز کودک‌همسری را در تبریز بررسی کرده‌اند. جامعه بررسی‌شده، زنان بین ۱۵ تا ۳۵ سال مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز است که خود کودک‌همسری را تجربه و اولین بار در سن کمتر از ۱۵ سال ازدواج کرده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بلوغ جنسی زودرس، مردسالاری، اعتقادات مذهبی، موقعیت محل زندگی و زندگی با پدر و مادر ناتنی مهم‌ترین علل زمینه‌ساز کودک‌همسری در بین موارد بررسی‌شده در شهر تبریز است. احمدی (۱۴۰۰الف) در تحقیقی با عنوان «طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران» که به روش تلفیقی انجام داده است، به پیامدهای منفی آن نظیر افزایش طلاق، کودک‌بیوگی، رشد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، عدم اشتغال و بازماندن از تحصیل، سوءاستفاده جنسی از دختران، تداوم چرخه فقر و فحشا، افزایش بیماری‌های جسمی و جنسی و روحی اشاره کرده و به این نتیجه رسیده است که عواملی بر تداوم کودک‌همسری مؤثر است که مهم‌ترین آنها شامل فقر، تحصیلات پایین و کم‌سوادی، نبود حمایت قانونی، موجودیت ماده قانونی ۱۴۰۱

ثروت و موقعیت جغرافیایی برخی از عوامل مهم با تأثیر درخور توجه در شیوع ازدواج زودهنگام در بنگلادش است. براساس یافته‌ها، این مطالعه توصیه می‌کند که آموزش برای همه، آگاهی بخشی از طریق بسیج اجتماعی، ابتکارات اصلاحی درباره اعتقادات اسلامی و تقویت راهکارهای کاهش فقر برای تسریع در روند حذف ازدواج زودهنگام اعمال شود.

ویدیاستاری^۴ (2020) در طی پژوهشی به «بازنگری قانون جدید ازدواج دراندونزی: آیا این قانون برای جلوگیری از ازدواج نوجوانان مؤثر است؟» پرداخت. نتایج حاکی از آن است که اندونزی سابقه‌ای طولانی در ازدواج نوجوانان و فرزندآوری زودهنگام دارد. عوامل مذهبی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان محرک‌های اصلی ازدواج زودهنگام معرفی شده‌اند. مجلس نمایندگان لایحه جدید افزایش حداقل سن قانونی ازدواج زنان از ۱۶ به ۱۹ سال را در سال ۲۰۱۹ تصویب کرده است، درحالی که قانون ازدواج در پیشگیری از این رویداد «ضعیف» تلقی می‌شود.

سیگل^۵ و همکاران (2015) در تحقیقی با عنوان «تجربه ازدواج زودهنگام: رویکردهای زنان مسلمان و شاغل» انگیزه‌ها و تجربیات ازدواج زودهنگام در بین ۱۰ نفر از زنان مسلمان و شاغل را از ازدواج زودهنگام بررسی کردند. رویکرد تحقیق، پدیدارشناختی و با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در اسرائیل انجام شده است. یافته‌ها نشان داد که دختران ازدواج زودهنگام را راهی برای دستیابی به آزادی، تجربه عشق در چارچوب فرهنگی قابل احترام و رهایی از فقر و مشکلات خانوادگی مطرح کرده‌اند. در مقابل، روایت‌های زنان متأهل حاکی از مزایای محدود ازدواج زودرس، ایجاد مشکلات جدید و جدی و رهانشدن از مشکلات قبلی، پشیمانی از ادامه تحصیل ندادن، تنهایی شدید و کمبود پول است. انگیزه‌های مالی و اجتماعی ازدواج زودهنگام در میان زنان تصمیم آنها را برای ازدواج نشان می‌دهد. آنها قربانی منفعل عشق و جامعه نبودند، در مقابل تصمیم آنها در گزینه‌های محدود انجام شده است.

متغیرهای امنیت اجتماعی، تبعیض جنسیتی، تعداد خواهر و برادر، محل تولد، تحصیلات پدر و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با متغیر کودک‌همسری رابطه معناداری وجود دارد و می‌توان گفت این متغیرها، متغیرهای تأثیرگذار بر پدیده کودک همسری هستند.

فرهمند و همکاران (۱۳۹۹) در طی مطالعه‌ای «تجارب زناشویی کودک‌همسری: درهم آمیختگی عاطفی-فکری و بی‌قدرتی» را واکاوی کردند. در این مطالعه روش پژوهش نظریه داده‌بنیاد و شیوه نمونه‌گیری هدفمند است که از طریق روش گلوله‌برفی با ۲۰ نفر از زنان مصاحبه به عمل آمد. نتایج نشان داد که ازدواج در سنین پایین آنها را با بی‌قدرتی در زمینه فردی و تعاملی در روابط زناشویی روبه‌رو می‌کند. از پیامدهای آن می‌توان به دلزدگی زناشویی، نارضایتی از زندگی، سرخوردگی، انزوای اجتماعی و طلاق عاطفی اشاره کرد.

حسینی^۱ (2021) در کتابی «رابطه ازدواج موقت، کودک‌همسری و قتل ناموسی» را به‌عنوان مصادیق خشونت علیه زنان در خانواده‌های ایرانی و افغانی بررسی کرده است و برخی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این پدیده‌ها و نیز تبعات منفی آنها را در مجموعه‌ای جمع‌آوری کرده است.

هگلند و کریمی^۲ (2021) در تحقیقی بیان کرده‌اند که هرچند در ایران بعد از انقلاب با فشار عمومی مردم سن ازدواج دختران در سال ۲۰۰۲ به ۱۳ سال افزایش یافت، عملاً در سال‌های اخیر متأثر از شرایط بد اقتصادی، تحریم‌ها، فساد، ناکارآمدی دولت و درنهایت تبعات ناشی از بیماری کوید ۱۹ این پدیده روند افزایشی پیدا کرده است. ضمناً این پدیده بیشتر در خارج از شهرها و در مناطق سستی‌تر رواج بیشتری دارد.

تالوکدر^۳ و همکاران (2020) در طی مطالعه‌ای «ازدواج زودهنگام در بنگلادش» را بررسی کرده‌اند. این مطالعه مقطعی در نظر دارد عوامل مرتبط با شیوع ازدواج زودهنگام را در میان نوجوانان دختر در بنگلادش بررسی کند. نتایج نشان داد که سطح تحصیلات زنان و خانواده‌های آنها، دینداری، داشتن

¹ Hossein

² Hegland & Karimi

³ Talukder

⁴ Widyastari

⁵ Segal

آن مردان به‌صورت آشکار و نهان بر زنان سلطه دارند. با این پیش‌فرض مردان در راستای بهره‌برداری از زنان در زمینه‌های مختلف با تکیه بر سلطه تاریخی که بر آنان دارند به مزدوج‌کردن دختران در سنین پایین اقدام می‌کنند.

همچنین جدای از وضعیت اقتصادی، نوع روابط در دنیای سنت به‌عنوان واقعیاتی بیرونی عمل می‌کند و خانواده‌ها را درخصوص ازدواج در سنین پایین در اجبار خود قرار می‌دهد. حتی کسانی که چندان هم با این رویه مخالف نیستند، تاب ایستادگی در برابر تبعات آن را ندارند و مجبور به تبعیت از دیگران می‌شوند؛ زیرا فشار هنجاری ازسوی جامعه راهی جز پیروی از هنجارها پیش روی مردم نمی‌گذارد. به تعبیر دورکیم در جوامعی که هنوز به طور کامل وارد مرحله مدرنیته نشده‌اند و بخش سنتی آن برجسته‌تر است و تعاملات، بیشتر از نوع مکانیکی است تا ارگانیکی، رفتارها متأثر از فشار هنجاری صورت می‌گیرد. همان‌طور که مشخص است دورکیم معتقد است که کنش‌ها در دو جامعه سنتی و مدرن تفاوت دارند (آرون، ۱۳۷۷). درخصوص ازدواج، در جامعه مدرن برعکس جوامع سنتی، سن ازدواج به دلایل اشتغال جوانان به تحصیل و موارد دیگر بالا رفت و در نتیجه پدیده کودک‌همسری در این جامعه کم‌رنگ‌تر شد.

درخصوص ارتباط مردسالاری و کودک‌همسری، فمینیست‌ها به تحلیل کارکرد عاطفی خانواده پرداخته‌اند و آن را جنبه تاریخی از حیات خانوادگی دانسته‌اند؛ زیرا حوزه خشونت خانگی علیه زنان است. آنها معتقدند که خانه غالباً به‌عنوان پناهگاه امنیت و خوشبختی تصور می‌شود، اما واقعیت تلخ این است که خشونت خانگی بخشی از تجربه بسیاری از زنان است. از نظر آنها، دلیل اصلی خشونت، وجود ساختارهای اقتدار پدرسالارانه در جامعه است و نهاد خانواده در حکم نهاد مرکزی پدرسالاری، براساس نابرابری‌های اجتماعی و استثمار زنان و کودکان بنا نهاده شده است و ایدئولوژی‌های جامعه می‌کوشند آن را حفظ کنند (اعزازی، ۱۳۸۳: ۷۷). براساس نظریه لیبرال فمینیست‌ها مردها کنترل زنان و فرزندان را بر عهده دارند و این کنترل تمام

هرچند مطالعات ذکرشده در سطور قبل نشان می‌دهد که این پدیده در نقاط مختلفی از جهان بررسی شده است، غیبت این تحقیق در منطقه دیشموک که در آن فراوانی کودک‌همسری بالاست، ضروری به نظر می‌رسد.

مبانی نظری تحقیق

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع سنتی جمع‌گرایی آن جامعه و فرع‌بودن فرد است. اگر بخواهیم پدیده کودک‌همسری را به‌عنوان کنشی در دو جامعه سنتی و مدرن بر مبنای نظریه دورکیم بررسی کنیم، باید بگوییم که در جوامع سنتی ازدواج امری است جمع‌گرایانه و فرد دخالته در تصمیم‌گیری درباره آن ندارد؛ ازاین‌رو گرایش به ازدواج در سنین پایین، بیشتر از جوامع مدرن بوده است؛ زیرا در شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع سنتی، فرزند بیشتر و تعداد بیشتر اعضای خانوار نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف اقتصادی داشته است؛ بنابراین، خانواده‌ها زودتر دختران و پسران دم‌بخت را مزدوج می‌کردند. ضمن اینکه در جامعه سنتی ماندن شخص پسر یا دختر دم‌بخت در خانه را قبیح می‌دانستند و معتقد بودند به محض اینکه دختر یا پسر بتواند از عهده کارکردن بر بیاد باید ازدواج کند؛ اما با گسترش مدرنیته و تغییر و تحولات اجتماعی جوامع، کم‌کم کنش افراد از جمع‌گرایی به فردگرایی تغییر می‌کند و کنش‌ها نه بر مبنای تصمیمات گروهی و جمعی، بلکه بر مبنای نفع شخصی صورت می‌گیرد.

مردسالاری به معنای افزایش بیش‌ازحد قدرت و مسئولیت‌های مردان در جامعه است. مردسالاری یعنی اعتقاد به برتر بودن جنس مرد از زنان و قرارگرفتن زنان در درجه دوم اهمیت. جوامع و خانواده‌های مردسالار، بیشتر توجه و امکانات خود را در اختیار جنس مذکر قرار می‌دهند. مردسالاری بر نوع خاصی از ساختار خانوادگی، اجتماعی، سیاسی دلالت دارد که بر نظام حقوقی و ارزشی ویژه و شیوه متمایزی از سازمان‌دهی اقتصادی استوار است. براساس نظریه پدرسالاری، منشأ اصلی فروستی زنان را باید در نظام سلطه پدرسالاری یا مردسالاری جست‌وجو کرد (راد، ۱۳۸۷) که در

این تحقیق مطرح شده است، اثر دینداری بر تمایل به ازدواج زودهنگام افراد است.

طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه. همچنین طبق ماده ۱۰۴۳ نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد (سن بلوغ دختران ۹ سال تمام) موقوف اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط نکاح مهری که بین آنها قرار داده شده است، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص، به دفتر ازدواج مراجعه و به ثبت ازدواج اقدام کند (ویشته، ۱۳۸۸). همان‌طور که از ماده ۱۰۴۱ و ۱۰۴۳ قانون مدنی برمی‌آید، قانون ازدواج زیر سن ۱۳ سال برای دختران را منع نکرده است و فقط منوط به اذن پدر و جد پدری دانسته است. حال آنکه طبق تعاریف جهانی سن کودکی ۱۸ سال است؛ پس یعنی آشکارا قوانین ایران کودک‌همسری را می‌پذیرد. همچنین در خیلی جاها مسئولین شاهد کودک‌همسری هستند، حتی برای زیر ۱۳ سال؛ ولی در راستای اجرای قانون و ممانعت از این ازدواج اقدامی نمی‌کنند. که این اقدام مسئولین را می‌توان به‌عنوان پایبندی نبودن به قانون و جلوگیری نکردن از کودک‌همسری دانست. در این پژوهش منظور از حمایت قانونی از کودک‌همسری، تفسیر قوانین موجود در کشور به نفع کودک‌همسری و حمایت‌های آشکار مسئولان از کودک‌همسری است.

نگرش به‌عنوان سازه‌ای بسیار مهم در روان‌شناسی اجتماعی ناظر به نوعی آمادگی نسبتاً ثابت و مداوم روانی برای واکنش به اشیا، افراد یا موضوعات خاص است (محسنی، ۱۳۷۹) یا نگرش قبل از هر چیز به معنای جهت‌گیری کلی و ارزش‌گذاری به موضوع معینی بوده است (کلود، ۱۳۷۹). عموم محققان آن را دارای سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری می‌دانند. این سه بُعد

جنبه زندگی آنها اعم از ازدواج و تصمیم بر بچه‌دارشدن را شامل می‌شود. ساختار مردسالاری در این پدیده نقش بسیار مهمی دارد. در خانواده‌های مردسالار تصمیمات مهم مانند ازدواج فرزندان توسط مردان اتخاذ می‌شود و از طریق ازدواج با کودکانی که در سنین پایینی هستند، مردسالاری تداوم پیدا می‌کند. چون همسر از تجربه کمتری برخوردار است و هرچه که مرد می‌گوید درست اطلاق می‌شود و همین تجربه کم، تبعیت زن را به دنبال دارد و از این‌رو مردسالاری در جامعه تداوم پیدا می‌کند. در خانواده مردسالار، اساس مدیریت و رهبری بر عهده یک یا چند مرد است. جنس مذکر، به‌عنوان سرپرست و تصمیم‌گیرنده خانواده است. بدین‌سان مردسالاری به‌عنوان عامل زمینه‌ساز ازدواج‌های زیر سن قانونی بسیار تأثیرگذار است (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۱۰). براین‌اساس در این تحقیق اثر اندیشه‌ها و سوگیری‌های مردسالارانه بررسی شده است.

دین به‌عنوان پدیده‌ای همراه با جامعه بشری جدای از منشأ آن، اثر زیادی در شکل‌دهی هنجارها و رفتارهای اعضای جامعه دارد؛ به‌ویژه این اثر در جوامع سنتی‌تر بسیار عمیق‌تر است. دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی^۱ به نحوی که نگرش، گرایش و کنش فرد را متأثر سازد. همچنین دینداری عبارت است از پایبندی به نظامی خاص از باورها، ارزش‌ها و هنجارها که مراتبی از پایبندی به خود را از گروندگان می‌طلبد (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۴). ازدواج و قواعد مرتبط با آن نیز از این قاعده مستثنی نیست و هنجارهای دینی اثر زیادی در تعیین گستره همسرگزینی و نیز زمان ازدواج دارند. البته باید متذکر شد که خوانش‌ها و تفسیرهای متفاوتی از متون دینی وجود دارد و خوانش‌های سنتی‌تر از دین که عموماً ضمن تأکید زیاد بر ازدواج، به انجام آن در سریع‌ترین زمان ممکن اشاره می‌کنند. این دین سنتی که مطابق با دیدگاه‌های عرفی خواننده و تفسیر می‌شود، علاوه‌بر انتخاب و ترویج دیدگاه‌هایی که ازدواج را مقدس می‌شمردند و به‌ویژه بر ازدواج در سنین پایین تأکید دارند، می‌توانند در تشویق افراد به ازدواج زودهنگام مؤثر باشند؛ از این‌رو فرضیه دیگری که در

¹ Religious Involvement

آگاهی دارد.

یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌ها در رابطه با اثر نگرش بر رفتار، نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده فیشبین و آیزن است. براساس این نظریه، شکل‌گیری یک کنش به انگیزه (قصد) و نیز به توانایی (کنترل رفتاری) بستگی دارد. درمجموع این نظریه از سه سازه اصلی تشکیل شده است: ۱. نگرش: ارزیابی مطلوب یا نامطلوب فرد از رفتار مورد علاقه؛ ۲. هنجارهای ذهنی: مربوط به اعتقادات شخص درباره اینکه آیا همسالان و افراد دارای اهمیت برای شخص، فکر می‌کنند باید درگیر رفتار باشد یا نه. ۳. کنترل رفتار درک‌شده: این به ادراک شخص از سهولت یا دشواری در انجام رفتار مورد علاقه اشاره دارد (مایرز، ۱۴۰۱).

چارچوب نظری

براساس نظریه‌های ارائه‌شده در سطرهای قبلی تمایل به کودک‌همسری نوعی نگرش ذهنی است که نه تنها با کودک‌همسری مشکلی ندارد، بلکه متأثر از برخی عوامل آن را لازم می‌داند و به آن تمایل دارد. در این تحقیق مطابق با نظریه‌های مطرح‌شده رابطه نگرش‌های مردسالارانه، حمایت قانونی، آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری و دینداری با تمایل به ازدواج کودکان بررسی تجربی شده است. تصویر شماتیک روابط این متغیرها در شکل ۱ آورده شده است.

فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد بین آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری و تمایل به آن رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد بین نگرش‌های مردسالارانه و تمایل به کودک‌همسری در شهر دیشموک رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد بین حمایت‌های قانونی و تمایل به کودک‌همسری در شهر دیشموک رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد بین دینداری و تمایل به کودک‌همسری در شهر دیشموک رابطه وجود دارد.

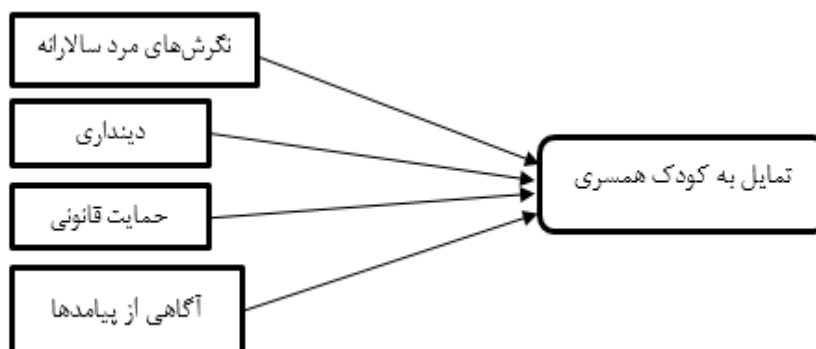
کاملاً با یکدیگر در تعامل هستند و رابطه آنها لزوماً از بُعد شناختی به بُعد عاطفی و در نهایت بُعد رفتاری منتهی نمی‌شود و عوامل متعددی در آن دخیل هستند که چه‌بسا می‌تواند جهت عکس این رویه عمل کند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۳).

براساس نظریه‌های مربوط به نگرش، نگرش‌ها از سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری تشکیل می‌شوند. بُعد شناختی نگرش‌ها راجع به اطلاعاتی است که فرد از موضوع نگرش دارد و احساسی که در پی این شناخت به دست می‌آید، بُعد عاطفی نگرش را می‌سازد و در نهایت در نتیجه این دو بُعد فرد اقدام به رفتاری می‌کند که بُعد رفتاری نگرش را شکل می‌دهد. بُعد شناختی نگرش‌ها متأثر از آگاهی و اطلاعات افراد است. مسئله آگاهی یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هایی است که همواره توجه بسیاری از فیلسوفان را به خود جلب کرده است. آگاهی امری است که انسان‌ها به وسیله آن از سایر موجودات شناخته می‌شوند. درعین حال شناخت خود آگاهی و سازوکار آن، همواره یکی از معماهای پیچیده انسان بوده است. درمجموع آگاهی مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و اطلاعات افراد درباره موضوعات مختلف است. مقوله آگاهی به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در کنش انسان‌هاست؛ زیرا قسمت شناختی ذهن انسان را تشکیل می‌دهد و تا زمانی که فرد راجع به چیزی اطلاعاتی نداشته باشد، به آن موضوع حساسیتی ندارد و نمی‌توان انتظار داشت، رفتاری متناسب با آن انجام دهد (بهشتی، ۱۳۹۳).

مؤسسه «یونایتد وی^۱ آمریکا» (1996) این تعریف را از پیامد ارائه داده است: «مزیت‌هایی که برای شرکت‌کنندگان طی حضور یا پس از حضور در یک برنامه حاصل می‌گردد که ممکن است به دانش، مهارت، نگرش، ارزش، رفتار، شرایط یا وضعیت ارتباط داشته باشد؛ مانند کسب دانش بیشتر درباره نیازهای غذایی، بهبود مهارت‌های مطالعه، پاسخ‌های مؤثرتر به تعارض، کسب یک شغل و ثبات مالی بیشتر» (شریفی، ۱۳۸۹). در این تحقیق منظور از آگاهی از پیامدها این است که فرد پاسخ‌گو تا چه میزان از پیامدهای کودک‌همسری اطلاع و

¹ UNITED WAY

مدل نظری تحقیق



شکل ۱ - مدل نظری تحقیق

Fig 1- Theoretical research model

روش تحقیق

باتوجه به اینکه هدف اصلی این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی پدیده کودک‌همسری در شهر دیشموک است، از روش کمی تحقیق و شیوه پیمایشی استفاده شده است. این تحقیق به‌لحاظ وسعت پهنانگر بوده و به‌لحاظ زمانی به‌صورت مقطعی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه خانوارهای شهر دیشموک است. تعداد جامعه آماری براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر است با ۴۷۱۱ خانوار است. براساس جدول نمونه‌گیری لین و با احتساب ۵ درصد خطا تعداد نمونه‌ها ۳۵۵ خانوار برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بوده است. در این روش ابتدا شهر دیشموک به ده حوزه (با کمک‌گیری از حوزه‌بندی اداره آموزش و پرورش که براساس جغرافیای منطقه انجام گرفته است) تقسیم شد و به‌صورت تصادفی پنج حوزه و در مرحله بعد از هر حوزه چهار محله به شیوه تصادفی ساده انتخاب شد. پس از آن به‌صورت حضوری به درب منازل مراجعه و از اولین فرد بالای ۱۵ سال خانواده که ملاقات شد، خواسته شد تا پرسش‌نامه را تکمیل کند. با این وصف واحد تحلیل در این تحقیق یک شخص بالای ۱۵ سال شهر دیشموک است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه محقق‌ساخته است و گویه‌های مناسب برای سنجش متغیرهای تحقیق با استفاده از طیف لیکرت با دامنه ۱ تا ۵ (خیلی موافقم تا خیلی مخالفم) ساخته شده و در اختیار پرسشگران قرار داده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و نیز مدل‌سازی معادله ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی و با به‌کارگیری نرم‌افزار Smart PLS تحلیل شدند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

تمایل به کودک‌همسری

درواقع تمایل عبارت است از ارزشیابی‌های مثبت و منفی یا احکام ارزشی مطلوب یا نامطلوب درباره اشیا و اشخاص و وقایع. گرایش‌ها چگونگی احساس هرکس را به چیزی نشان می‌دهد. بخشی از این واکنش، ممکن است به‌صورت اظهار عقیده درباره موضوع و بخش دیگر، در رفتار او در برابر آن موضوع جلوه‌گر شود (زارع شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴۷). در این تحقیق ارزیابی افراد و نیز گرایش آنها به پدیده کودک‌همسری با گویه‌های زیر اندازه‌گیری شده‌اند.

آلفای کرونباخ	گویه‌های مربوط به تمایل به کودک‌همسری
۰,۹۳۱	من معتقدم که اگر افراد زود ازدواج کنند، هیچ مشکلی برایشان پیش نخواهد آمد.
	من معتقدم که دختران هرچه زودتر باید ازدواج کنند.
	من معتقدم اگر افراد در سن بالاتری ازدواج کنند، آدم موفق‌تری خواهند شد.
	به نظر من همین که دختران به بلوغ جسمانی رسیدند، باید زود ازدواج کنند.
	معتقدم اگر افراد مجبور شوند بین ازدواج و ادامه تحصیل یکی را انتخاب کنند، باید ازدواج را انتخاب کنند.
	به نظر من دختران اگر تا ۱۵ سالگی ازدواج نکنند، شانس زیادی برای ازدواج نخواهند داشت.
	احساس می‌کنم با ازدواج کردن در سن پایین بسیاری از مشکلات عاطفی افراد رفع می‌شود.
	به نظر من افرادی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، خوشبخت‌تر هستند.
	به نظرم ازدواج در سنین نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سالگی) مانع رسیدن افراد به اهدافشان می‌شود.
	به نظرم امروزه لازم است دختر یا پسر ابتدا به یک موقعیت شغلی مناسب برسند و بعد اقدام به ازدواج کنند.
	معتقدم که بهتر هست وقتی دختر به سن بلوغ جنسی می‌رسد، ازدواج کند.
	از قدیم وقتی در خانواده‌ای دختری به سن بلوغ می‌رسید، زود شوهرش می‌دادند. ما هم باید چنین کنیم.
	وقتی پسری به سن بلوغ می‌رسد، باید ازدواج کند.
	در منطقه ما رسم است که پسران و دختران به محض رسیدن به سن بلوغ ازدواج می‌کنند.
	خانواده از ترس اینکه دختر آبرویشان را لکه‌دار کند، او را زود شوهر می‌دهند.

آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری

در ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی و... اطلاع و آگاهی

دارد. برای سنجش آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری از

گویه‌های زیر استفاده شده است.

در این تحقیق منظور از آگاهی از پیامدها این است که فرد

پاسخ‌گو تا چه میزان از پیامدهای منفی و مثبت کودک‌همسری

آلفای کرونباخ	گویه‌های مربوط به آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری
۰,۹۴۱	باروری در سنین پایین خطر مرگ برای مادر را به همراه دارد.
	باروری در سنین پایین سقط جنین و تولد کودکان کم‌وزن را در پی دارد.
	کسانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، در معرض بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز قرار دارند.
	با ازدواج زودهنگام ممکن هست رشد قد یک دختر متوقف شود.
	دختری که زود ازدواج می‌کند، باید همه آرزوهایش را فراموش کند.
	کسی که زود ازدواج می‌کند، ممکن است در روابط فرازنشویی درگیر شود و به همسر خود خیانت کند.
	ازدواج زودهنگام باعث بالا رفتن آمار طلاق می‌شود.
	با ازدواج زودهنگام عزت‌نفس کودک‌همسر از بین می‌رود.
	ازدواج زودهنگام باعث پرخاشگری بیشتر فرد می‌شود.
	کسی که زود ازدواج می‌کند، سلامتی و رشد او به خطر می‌افتد.
	ازدواج زودهنگام باعث عدم استقلال شخصی و بلوغ فکری می‌شود.
	کسی که زود ازدواج می‌کند، حمایت خانواده و دوستان را از دست می‌دهد.
	ازدواج زودهنگام باعث از دست دادن آزادی، تعامل نکردن با همسالان و مشارکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود.
	ازدواج زودهنگام باعث تضعیف فرصت‌های زندگی و رشد و توسعه می‌شود.
	کودک‌همسری باعث محرومیت از تحصیل در بیشتر افراد می‌شود.
	کودک‌همسری موجب عدم امکان ورود افراد به بازار کار می‌شود.
	کودک‌همسری در بیشتر موارد به بازتولید چرخه فقر و بازتولید چرخه ازدواج کودکان منتهی می‌شود.
	کودک‌همسری در بیشتر موارد منجر به کودک بیوگی می‌شود.
	ازدواج زودهنگام باعث محرومیت کودک از بازی‌های کودکانه و رشد شخصیت فرد می‌شود.

نگرش‌های مردسالارانه

اجتماعی و سیاسی دلالت دارد که بر نظام حقوقی و ارزشی ویژه و شیوه متمایزی از سازمان‌دهی اقتصادی استوار است که در آن مردان به صورت آشکار و نهان بر زنان سلطه دارند. برای سنجش نگرش‌های مردسالارانه از ۱۰ گویه زیر استفاده شده است.

مردسالاری به معنای افزایش بیش‌ازحد قدرت و مسئولیت‌های مردان در جامعه است. مردسالاری یعنی اعتقاد به برتر بودن جنس مرد از زنان و قرارگرفتن زنان در درجه دوم اهمیت. مردسالاری بر نوع خاصی از ساختار خانوادگی،

آلفای کرونباخ

گویه‌های مربوط به نگرش‌های مردسالارانه

زن باید بی‌چون‌وچرا از شوهرش اطاعت کند.	
اگر زن از مرد اطاعت نکند، جامعه زن را سرزنش می‌کند.	
این حق همسر هست که در صورت نافرمانی زن او را تنبیه کند.	
زن باید خشونت را به دلیل آبروداری تحمل کند.	
پرخاشگری به زن خانواده امری طبیعی و عادی است.	۰,۹۴۷
زنان باید رفتارهای ناپسند همسر را به دلیل آینده فرزندان بپذیرند.	
اگر بخواهیم زندگی از هم نباشد، زنان در مقابل خشونت همسر باید کوتاه بیایند.	
محدودکردن زن با رفتارهای آمرانه مشکلی ندارد.	
باتوجه به درگیری زیاد مردان در جامعه و مشکلات آنها پرخاشگری به زن و خانواده طبیعی است.	
کوتاه‌آمدن زن در مقابل خشونت باعث کاهش رفتار خشونت‌بار مرد می‌شود.	

حمایت قانونی

کودک‌همسری ساکت می‌ماند و وظایف خود را در راستای ممانعت از آن انجام نمی‌دهند و به‌نوعی با این کار کودک‌همسری را تشویق می‌کنند. با استفاده از گویه‌های زیر این متغیر سنجش شده است.

این متغیر ارجاع به ماده‌قوانینی دارد که کودک‌همسری را مجاز می‌داند یا به برخی موارد توجه می‌کند که مسئولین امر با نادیده‌گرفتن تخلفات یا چشم‌پوشی از اجرای قانون، مقابل

آلفای کرونباخ

گویه‌های مربوط به حمایت قانونی

من معتقدم مخالفت‌نکردن دولت با ازدواج دختران در سن زیر ۱۳ سال باعث افزایش ازدواج آنان در این سن شده است.	
من معتقدم تشویق مسئولین به ازدواج زودهنگام باعث افزایش ازدواج در سن پایین شده است.	
من معتقدم دادن امتیاز به زوجین با سن پایین موجب افزایش ازدواج نوجوانان شده است.	
من معتقدم قوانین موجود در ازدواج دختران زیر ۱۳ سال تأثیرگذار است.	
من معتقدم قوانین موجود در ازدواج پسران زیر ۱۵ سال تأثیرگذار است.	۰,۹۳۲
من معتقدم بالاتر بودن مبلغ وام ازدواج دختران زیر ۲۳ سال باعث افزایش گرایش مردان به دختران نوجوان شده است.	
من معتقدم با وضع قوانینی که ازدواج در سن زیر ۱۸ سال را ممنوع کند، ازدواج در سن پایین کاهش پیدا می‌کند.	
مسئولین محلی به‌صورت غیررسمی کودک‌همسری را تشویق می‌کنند.	
مسئولین محلی عملاً در مقابله با کودک‌همسری وظیفه خود را انجام نمی‌دهند.	
مسئولین محلی عملاً با سکوت خود در مقابل کودک‌همسری از این پدیده دفاع می‌کنند.	

دینداری

خاص از باورها، ارزش‌ها و هنجارها است که مراتبی از پایبندی به خود را از گروندگان می‌طلبد. این معیارها باتوجه‌به

در این تحقیق منظور از دینداری میزان پایبندی به نظامی

مسلمان بودن جامعه آماری با خوانش عامی طراحی شده‌اند که از دین اسلام می‌شود و در آن ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی دینداری در قالب سیزده گویه سنجیده شده است.

آلفای کرونباخ

گویه‌های مربوط به دینداری

	به نظر من همه اتفاقاتی که در جهان می‌افتد، به خواست و اراده خداوند انجام می‌گیرد.
	به نظر من قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت محض است.
	معتقدم که در روز قیامت هر کس نتیجه اعمال خود در دنیا را خواهد دید.
	گاهی احساس می‌کنم که هیچ موجودی در دنیا نیست که بتوانم به او تکیه کنم.
	من معتقدم که پیامبران برای راهنمایی انسان‌ها از سوی خداوند مبعوث شده‌اند.
	من معتقدم با پدیده بدحجابی یا بی‌حجابی در مکان‌های عمومی باید با قاطعیت مبارزه شود.
	به نظر من پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان در مکان‌های عمومی اشکالی ندارد.
	اگر عذر شرعی یا پزشکی نداشته باشم، در ماه مبارک رمضان روزه‌هایم اصلاً قضا نمی‌شود.
۰٫۸۴۶	برخی اوقات مجبور می‌شوم به والدین خودم دروغ بگویم.
	من در روزهای وفات (پیامبر یا ائمه و معصومان) سعی می‌کنم موسیقی گوش نکنم.
	من به ندرت فرصت می‌کنم تا زمانی را برای خواندن قرآن اختصاص دهم.
	من همه نمازهای یومیه یا روزانه‌ام را سر وقت می‌خوانم.
	در مراسم اعیاد مذهبی یا عزاداری‌ها که در مساجد یا منازل تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنم.
	با ازدواج کردن نیمی از دین تکمیل می‌شود.
	ازدواج یک پیوند مقدس است.
	مطابق با گفته قرآن انسان با ازدواج به آرامش و آسایش می‌رسد.
	با ازدواج کردن سنت پیامبر را ادامه می‌دهیم.

میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۹ سال است که کمترین ۱۵ و بیشترین ۶۵ سال بوده است. براساس جنسیت آمار نشان داد که به نسبت ناچیزی درصد مردان بیشتر از زنان بوده است. همچنین تعداد متأهل‌ها در تحقیق بیشتر از مجردها بوده است. میانگین سال‌های تحصیل برای مادران ۲٫۶ سال، پدران حدود شش سال و برای پاسخ‌گویان ۱۱٫۷ سال بوده است. یافته‌ها حاکی از میزان زیاد بیکاری در سطح نمونه آماری بوده است؛ طوری که تقریباً بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌گویان بیکار بوده‌اند. فقط ۴/۸ درصد پاسخ‌گویان کارمند و مابقی کشاورز و دامدار بودند یا شغل آزاد داشتند.

برای تعیین اعتبار^۱ پرسش‌نامه به دو شیوه عمل شده است: نخست اعتبار صوری که در آن میزان ارتباط گویه‌های طراحی شده با متغیرهای مدنظر در پژوهش به وسیله چندین متخصص تأیید شد و دوم اعتبار سازه که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌نامه، در قالب مدل‌های اندازه‌گیری و بر مبنای محاسبه بار عاملی گویه‌ها و نیز مقدار واریانس استخراج شده (شاخص AVE) برآورد شد. پایایی^۲ پرسش‌نامه نیز از طریق محاسبه همبستگی درونی گویه‌ها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. مقدار این ضریب برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۷ است.

یافته‌های تحقیق

برای تحلیل داده‌ها ابتدا آمار توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود. توصیف متغیرهای زمینه‌ای تحقیق نشان داد که

¹ Validity² Reliability

جدول ۱- توزیع فراوانی برخی ویژگی‌های نمونه تحقیق

Table 1- Frequency distribution of some characteristics of the research sample

کل	همسر فوت شده	متاهل	متاهل	مجرد	جنسیت	ارزش دارایی ها
۱۹۵	۲	۱۵۶	۳۷	فرآوانی	مرد	ارزش مسکن (میلیون تومان)
۵۴,۹	۰,۶	۴۳,۹	۱۰,۴	درصد	زن	ارزش خودرو (میلیون تومان)
۱۶۰	۱۸	۸۰	۶۲	فرآوانی	کل	درآمد ماهیانه خانوار (تومان)
۴۵,۱	۵,۱	۲۲,۵	۱۷,۵	درصد		هزینه ماهیانه خانوار (تومان)
۳۵۵	۲۰	۲۳۶	۹۹	فرآوانی		
۱۰۰	۵,۶	۶۶,۵	۲۷,۹	درصد		
مقدار حداکثر		مقدار حداقل		میانگین		
۷۰۰		۵۰		۲۰۲		
۵۰۰		۵۰		۱۸۳		
۱۰۰۰۰۰۰		۴۰۰۰۰		۶۰۹۰۰۰۰		
۱۲۰۰۰۰۰		۴۰۰۰۰		۵۳۱۱۰۰۰		

سایر مردم میانگین سن مناسب ازدواج را برای دختران ۱-۵,۶۹ با انحراف معیار ۱,۹ و برای پسران ۱۸,۵۰ با انحراف معیار ۲,۸ سال می‌دانند؛ ولی از نظر خودشان میانگین سن مناسب ازدواج برای دختران ۱۷,۹۲ و برای پسران ۲۰,۸۵ سال است. آمار توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته اندازه‌گیری شده در پرسش‌نامه هم به صورت زیر گزارش می‌شود:

شاخص‌های ذکر شده فوق به وضوح نشان‌دهنده فقر فراگیر است؛ اما با وجود وضعیت فوق تقریباً بیش از نیمی از پاسخ‌گویان خودشان را جزء طبقه متوسط جامعه می‌دانستند و بیش از ۶۰ درصد آنها تصور می‌کردند که دیگران آنها را جزء طبقه متوسط می‌دانند. درخصوص مناسب‌ترین سن ازدواج، پاسخ‌گویان معتقدند که

جدول ۲- توصیف متغیرهای تحقیق

Table 2- Description of research variables

متغیر	تعداد گویه	آلفای ترکیبی	میانگین	انحراف معیار	مقدار حداقل	مقدار حداکثر	متوسط طیف	سطح معناداری T
تمایل به کودک‌همسری	۱۵	۰,۹۳۱	۵۷,۹۹	۱۳,۶۸	۲۲	۷۹	۴۵	۰,۰۰۰
دینداری عرفی	۱۲	۰,۸۴۶	۵۳,۰۵	۶,۸۸	۳۱	۶۵	۳۹	۰,۰۰۰
مردسالاری	۹	۰,۹۴۷	۳۴,۴۷	۹,۸۵	۹	۴۵	۲۷	۰,۰۰۰
حمایت قانونی	۱۰	۰,۹۳۲	۴۴,۴۵	۶,۴۱	۱۵	۵۰	۳۰	۰,۰۰۰
آگاهی از پیامدها	۱۸	۰,۹۴۱	۴۳,۳۶	۱۳,۸	۱۸	۸۵	۵۴	۰,۰۰۰

قانونی از کودک همسری بسیار بیشتر از سطح متوسط است؛ ولی در متغیر آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری این وضعیت متفاوت است و نشان می‌دهد میزان آگاهی پاسخ‌گویان از این پیامدها بسیار کمتر از میانگین طیف است. بررسی رابطه رگرسیونی اثر سطح درآمد بر گرایش به کودک‌همسری نشان‌دهنده ضریب استاندارد به میزان

برای دانستن وضعیت متغیرها در سطح جامعه آماری از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده و سطح معناداری آن در جدول فوق (ستون آخر) گزارش شده است. چنان‌که پیداست میانگین متغیرهای بررسی شده با میانگین طیف آنها با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری دارد. این داده‌ها نشان می‌دهند که تمایل به کودک‌همسری، دینداری، مردسالاری و حمایت

به نظر می‌رسد نگرش‌های مردسالارانه اثر مثبتی بر تمایل به کودک‌همسری در شهر دیشموک دارد.

این عامل با ضریب استاندارد به میزان $0,457$ بر تمایل به کودک‌همسری اثر می‌گذارد.

به نظر می‌رسد حمایت‌های قانونی اثر مثبتی بر تمایل به کودک‌همسری در شهر دیشموک دارد.

این عامل با ضریب استاندارد به میزان $0,109$ بر تمایل به کودک‌همسری اثر می‌گذارد. باتوجه‌به سطح معناداری آزمون به میزان $(0,000)$ این فرضیه پذیرفته و فرض صفر تحقیق رد می‌شود. این متغیر در سطح جامعه آماری با اطمینان 95% حداقل اثری به میزان $0,03$ و حداکثر $0,115$ دارد.

درباره اثرگذاری مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در سطح جامعه آماری نتیجه خودگردان‌سازی داده‌ها نشان داد با 5000 نمونه‌گیری با جایگزینی در فاصله اطمینان 95% نگرش‌های مردسالارانه با حداقل $0,407$ و حداکثر $0,554$ و دینداری با حداقل $0,087$ و حداکثر $0,244$ در مرتبه بعد بیشترین اثر را (در سطح نمونه آماری) بر گرایش به کودک‌همسری دارند. باتوجه‌به عدم هم‌پوشانی ضرایب یادشده در فاصله اطمینان مذکور می‌توان نتیجه گرفت در سطح جامعه آماری، مردسالاری بیشترین اثر را بر گرایش به کودک‌همسری دارد.

چنان‌که در مدل پیداست سازه تک‌آیتمی سن با ضریب استاندارد $0,098$ با اطمینان 99% بر گرایش به کودک‌همسری اثر دارد؛ به نحوی‌که با بالارفتن سن افراد پذیرش کودک‌همسری در بین آنها بیشتر می‌شود.

درخصوص رابطه تحصیلات با تمایل به کودک‌همسری نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که این دو متغیر با شدت $0,411$ - و با اطمینان 99% با هم رابطه دارند. درواقع با افزایش سطح تحصیلات میزان تمایل به کودک‌همسری کاهش پیدا می‌کند. البته باید متذکر شد که در بررسی رابطه تحصیلات و آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری ضریب به‌دست‌آمده برابر با $0,501$ است و نشان می‌دهد با

$0,282$ - در سطح اطمینان 99% است که به‌وضوح نشان می‌دهد با افزایش درآمد، میزان تمایل به کودک‌همسری کاهش پیدا می‌کند و سطح درآمد می‌تواند تا حدود 8% درصد از واریانس تمایل به کودک‌همسری را تبیین کند.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از تکنیک مدل‌سازی معادله ساختاری با استفاده از حداقل مربعات جزئی^۱ استفاده شده است. برای استفاده بهینه از فضای مدل تنها معرف‌های عامل پنهان گرایش به کودک‌همسری (متغیر وابسته تحقیق) در مدل نمایش داده شده است و معرف‌های سایر عامل‌ها نمایش داده نشده‌اند. مدل آزمون‌شده تحقیق مطابق با شکل ۱ است.

شاخص $RMSR$ به‌عنوان معتبرترین شاخص برازش مدل به میزان $0,081$ نشان از معتبر بودن مدل دارد و نشان می‌دهد که درمجموع داده‌های تجربی و مدل نظری همدیگر را حمایت می‌کنند. میزان واریانس تبیین‌شده نیز نشان می‌دهد متغیرهای مستقل موجود در مدل توانسته‌اند درمجموع $78,7\%$ درصد از واریانس گرایش به کودک‌همسری را تبیین کنند که در تحقیقات اجتماعی میزان بسیار زیادی محسوب می‌شود. درخصوص فرضیه‌های تحقیق نتایج زیر حاصل شد (آزمون‌ها در سطح اطمینان 99% درصد انجام گرفته‌اند):

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری و تمایل به آن، رابطه منفی وجود دارد.

باتوجه‌به ضریب برآوردشده در مدل ($-0,271$) این فرضیه تأیید می‌شود و نشان می‌دهد عامل آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری بر گرایش به کودک‌همسری اثر منفی می‌گذارد؛ به‌نحوی‌که هرچه افراد با پیامدهای منفی کودک‌همسری بیشتر آشنا شوند، میزان تمایلشان به کودک‌همسری کاهش می‌یابد.

به نظر می‌رسد دینداری اثر مثبتی بر تمایل به کودک‌همسری در شهر دیشموک دارد.

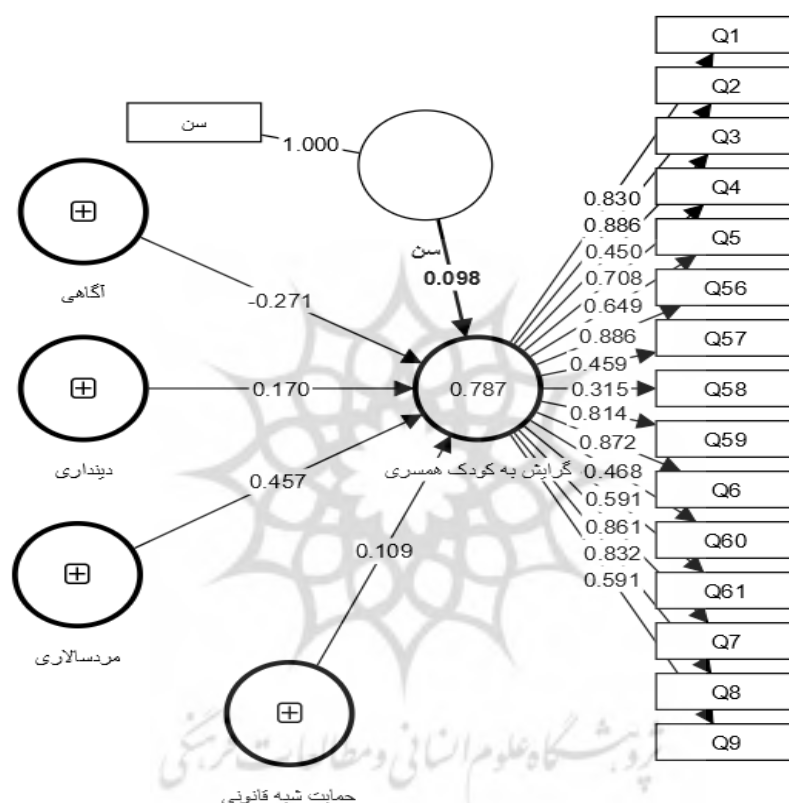
این عامل با ضریب استاندارد به میزان $0,170$ بر تمایل به کودک‌همسری اثر می‌گذارد. باتوجه‌به سطح معناداری آزمون به میزان $(0,000)$ این فرضیه پذیرفته و فرض صفر تحقیق رد می‌شود.

¹ SEM_PLS

افزایش سطح تحصیلات آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری نیز تا حد زیادی افزایش پیدا می‌کند.

برای بررسی تفاوت میزان گرایش به کودک‌همسری برحسب وضعیت تأهل افراد نتیجه آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که تفاوت میانگین بین گروه‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و آزمون تعقیبی توکی هم

نشان از آن دارد که تفاوت بین تمامی گروه‌ها وجود دارد. چنان‌که از اطلاعات جدول زیر برمی‌آید کسانی که همسرشان فوت شده است با میانگین ۴۲,۵۰ بیشترین تمایل را به کودک‌همسری دارند و در مرحله بعد متأهلین با میانگین ۳۵,۹، مجردها با میانگین ۲۹,۷ کمترین تمایل را به کودک‌همسری دارند.



شکل ۲- مدل معادله ساختاری متغیرهای تحقیق

Fig 2- Structural equation model of research variables

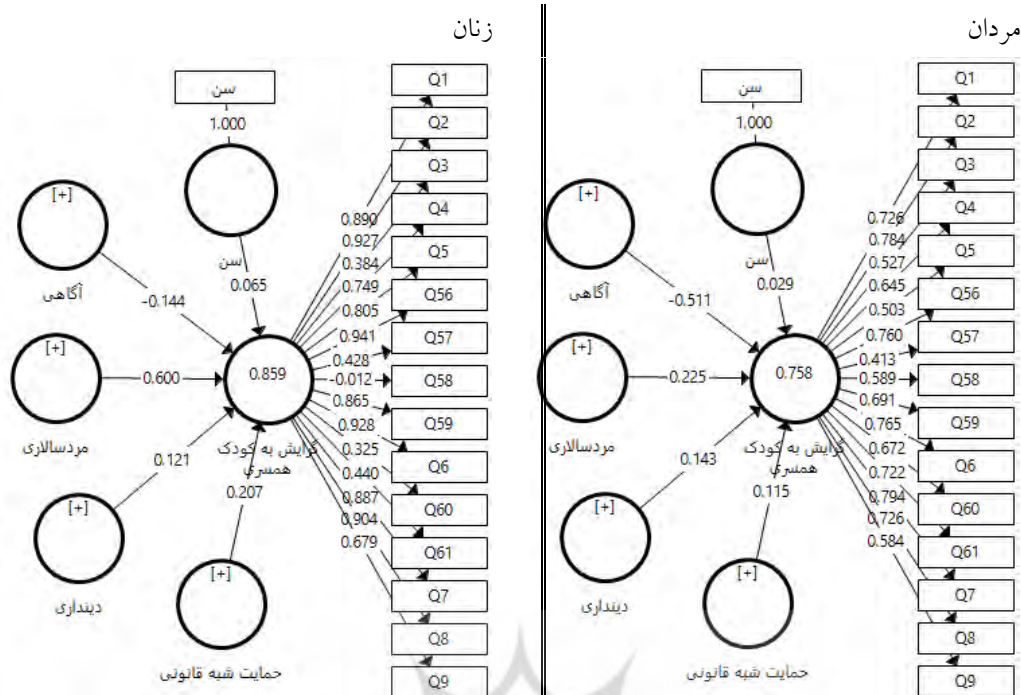
جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین نگرش به ازدواج کودکان برحسب وضعیت تأهل

Table 3- Mean difference test of attitudes towards child marriage according to marital status

گروه‌های متأهلی	تعداد	میانگین	مقدار F	سطح معناداری
مجردین	۹۹	۲۹,۷		
متأهلین	۲۳۶	۳۵,۹	۲۴,۸۶	۰,۰۰۰
همسر فوت شده	۲۰	۴۲,۵۰		

مدل تحقیق این نتایج حاصل شد:

برای بررسی تأثیر جنسیت به‌عنوان متغیر مداخله‌گر در



شکل ۳- اثر مداخله‌گر جنسیت در تبیین تمایل به ازدواج کودکان

Fig 3-- The intervening effect of gender in explaining of willingness to child marriage

و این مقدار در بین زنان حدود ۸۶ درصد برآورد شده است. درباره اثر تعدیل‌گری جنسیت روی رابطه برخی متغیرهای موجود در مدل جدول زیر اطلاعات زیر را نشان می‌دهد:

تحلیل تعدیل‌گری جنسیت به صورت مقایسه ضرایب و فاصله اطمینان آنها در بین دو گروه نشان می‌دهد. در مجموع متغیرهای مستقل موجود در مدل توانسته‌اند حدود ۷۶ درصد واریانس تمایل به کودک‌همسری را در بین مردان تبیین کنند

جدول ۴- آزمون مداخله‌گری جنسیت

Table 4- Gender intervening test

متغیرها	مقدار ضریب در کل نمونه	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		معناداری تفاوت
		گروه مردان	گروه زنان	
		حد بالا	حد بالا	
		حد پایین	حد پایین	
مردسالاری ← کودک‌همسری	۰,۴۵۷	۰,۳۷۸	۰,۵۵۵	تایید
دینداری ← کودک‌همسری	۰,۱۷۰	۰,۲۴۸	۰,۰۳۰	رد
آگاهی از پیامدها ← کودک‌همسری	-۰,۲۷۱	-۰,۳۸۲	-۰,۶۷۱	تایید
حمایت قانونی ← کودک‌همسری	۰,۱۰۹	۰,۲۳۵	-۰,۰۱۱	رد
سن ← کودک‌همسری	۰,۰۹۸	۰,۱۱۰	۰,۰۶۳	رد

کودک‌همسری دارد و درعین حال آگاهی از پیامدهای کودک‌همسری در بین مردان اثر منفی قوی‌تری از زنان دارد.

براساس اطلاعات جدول فوق در سطح جامعه آماری متغیر مردسالاری در گروه زنان اثر قوی‌تری روی گرایش به

همچنین دربارهٔ اثر متغیرهایی مثل سن، حمایت قانونی از کودک‌همسری و نیز دینداری بر تمایل به کودک‌همسری در بین دو جنس تفاوت معناداری دیده نشد.

نتیجه

کودک‌همسری یا وقوع ازدواج زودرس از ویژگی‌هایی است که جامعه را با دیگر جوامع متفاوت می‌کند. این موضوع براساس قوانینی که در هر جامعه متداول است به شک‌های مختلف شناخته می‌شود. کودک‌همسری را براساس سنی محاسبه می‌کنند که در هر جامعه مطابق مقررات رسمی و قوانین شرعی و عرفی آن برای ازدواج تعیین می‌شود و هر ازدواجی زودتر از آن صورت گیرد، ازدواج زودرس نامیده می‌شود. ازدواج کودکان یا کودک‌همسری نوعی ازدواج زودرس رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد پیش از رسیدن به سن قانونی وارد پیمان زناشویی می‌شود. این نوع ازدواج اثرات منفی جسمی و روانی برای افراد دارد. ضمن اینکه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز به‌ویژه در زمینه آسیب‌های اجتماعی به‌حدی تبعات منفی دارد که محققین این تحقیق را متقاعد به بررسی موضوع کرده است. از آنجاکه فراوانی این نوع ازدواج در شهر دیشموک از شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد زیاد است، میدان مناسبی را برای بررسی فراهم کرده است.

انسان‌ها از کنش‌های خودشان هدف و مقصود خاصی می‌توانند داشته باشند. درواقع در جامعهٔ انسانی هیچ کنشی را نمی‌توان در نظر گرفت که معنادار نباشد؛ بنابراین، طبق نظریهٔ رفتار برنامه‌ریزی‌شده که قصد و نیت رفتارها را بررسی می‌کند، اگر تمایل به کودک‌همسری را به‌عنوان یک رفتار در نظر بگیریم، بر مبنای سه سازهٔ اصلی (نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتار درک‌شده) این نظریه می‌توان گفت که طبق سازهٔ نگرش، اگر ارزیابی فرد از رفتار کودک‌همسریمطلوب باشد و پیامدهای مطلوبی از پدیدهٔ کودک‌همسری در نظر داشته باشد، احتمال انجام رفتار بیشتر می‌شود. حال که این رابطه

منفی شده است، می‌توان نتیجه گرفت با آموزش و اطلاع‌رسانی و آگاه‌کردن مردم از پیامدهای منفی این نوع ازدواج‌ها می‌توان در بلندمدت شاهد کاهش چنین ازدواج‌هایی بود.

وضعیت کلی و مسلط فقر اقتصادی در این منطقه و نیز نتایج تحلیل‌های آماری تأییدکنندهٔ اثر وضعیت اقتصادی نامناسب با تمایل به کودک‌همسری است. این یافته با یافته‌های زمندی (۱۳۹۹)، حاجیلو (۱۴۰۰)، سیگل و همکاران (۲۰۱۶)، تالوکدر و همکاران (۲۰۲۰) هماهنگ است.

تأیید فرضیهٔ اثر دینداری و وضعیت اقتصادی بر کودک‌همسری در این تحقیق با یافته‌های ویدیاستاری (۲۰۲۰) که عوامل مذهبی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی را به‌عنوان محرک‌های اصلی ازدواج زود هنگام معرفی می‌کند و نیز تحقیق حاجیلو (۱۴۰۰)، تالوکدر و همکاران (۲۰۲۰) هماهنگ است.

اثر تأییدشدهٔ نگرش‌های مردسالارانه با گرایش به کودک‌همسری در این تحقیق با نتایج تحقیق قوش^۱ (۲۰۱۱) و کوهی (۱۳۹۸) همخوانی دارد. مطالعهٔ قوش (۲۰۱۱) واکنش‌های جامعهٔ روستایی به عمل ازدواج را در منطقهٔ مالدا در بنگال غربی تحلیل کرده است. در این منطقه که سنت‌های روستایی و ساختار اجتماعی اقتدارگرا حاکم بوده است، مردسالاری هیچ فضای آزادی را به دختران نوجوان نمی‌داد و دختران طبق نظر مردان منطقه تن به ازدواج زود هنگام می‌دادند. در تحقیق کوهی (۱۳۹۸) که در آذربایجان شرقی صورت گرفته است، نگاه مردسالارانه از عوامل مؤثر بر تمایل به کودک‌همسری بوده است. همچنین تأیید دینداری عرفی سنی و حمایت آن از مردسالاری تا حد زیادی توانسته است توجیه‌کنندهٔ گرایش زیادتر به کودک‌همسری در این منطقه باشد.

یافته‌های این تحقیق مؤید نظریهٔ فمینیستی نیز است. طبق این نظریه در جوامع مردسالار با ساختارهای اقتدارگرا، تصمیم‌گیرندهٔ نهایی در خانواده مردان هستند. زنان و دختران بدون اجازهٔ مردان حتی اجازهٔ بیرون رفتن از خانه را ندارند. در این جامعه اجازهٔ ازدواج دختران بر عهدهٔ مردان خانواده

¹ Ghosh

بالاخص پدر خانواده است و این خانواده و به‌ویژه مردان هستند که تعیین‌کننده زمان، سن و سال و حتی همسر دختر در هنگام ازدواج هستند.

نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق تأییدکننده نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده فیش‌بین و آجزن است؛ به این صورت که چنان‌که دیدیم اثر آگاهی به‌عنوان منبع شناخت نگرش و نیز حمایت قانونی از کودک‌همسری به‌عنوان شرایط تسهیل‌کننده کودک‌همسری معنادار برآورد شد و این قضیه نشان می‌دهد که هماهنگی در ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش مثبت به کودک‌همسری می‌تواند موجب ترویج آن شود. به‌ویژه در شهر دیشموک که محرک‌های محیطی (اعتقاد به سن پایین برای ازدواج، نگاه مردسالارانه قوی، دینداری قوی عرفی موافق با ازدواج، آداب و رسوم تأییدکننده ازدواج در سن پایین، سهل‌گیری قوانین یا عدم نظارت خودخواسته بر اجرای قوانین ازسوی مسئولین در راستای ممانعت جدی از کودک‌همسری و ...) نیز از این پدیده استقبال می‌کنند.

برایند کلی این تحقیق نشان می‌دهد که فقر اقتصادی به‌عنوان مشخص‌ترین ویژگی کلی مردم منطقه و نگاه غالب مردسالارانه در این منطقه و به‌ویژه پذیرش جدی‌تر آن ازسوی زنان زمینه بسیار مناسبی برای شیوع کودک‌همسری فراهم کرده است. از سوی دیگر میانگین بالای پذیرش دینداری عرفی که ازدواج زودرس را می‌ستاید و نیز تأییدکننده سلطه بیشتر مردان است، شرایط را برای ترویج کودک‌همسری فراهم‌تر کرده است. شرایط منسجم زندگی روستایی و سنتی و اعتقاد به سن پایین ازدواج در مقایسه با میانگین کشوری در نظر مردم نیز آمادگی ذهنی برای این نوع ازدواج را به‌خوبی فراهم کرده است. وجود شرایط فوق با قوانین نه‌چندان محکم و بازدارنده از ازدواج کودکان به‌ویژه در مرحله اجرای قانون همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا شاهد تداوم کودک‌همسری در این منطقه باشیم.

درمجموع براساس یافته‌های این تحقیق درصورتی می‌توان به جلوگیری از تداوم کودک‌همسری در این منطقه امید داشت که در مرحله اول بتوان با بالا بردن سطح درآمد،

فقر اقتصادی را در این منطقه کم‌رنگ کرد و با افزایش سطح تحصیلات مردم آگاهی آنها را از تبعات منفی کودک‌همسری بالا برد. خوانش درست دین و تفسیر آن به‌صورت واقعی نه به نفع منافع گروه‌های خاص هم، می‌تواند تا اندازه زیادی از این پدیده آسیب‌زا جلوگیری کند و مسلم است که در چنین جوامعی چنین امری تنها از عهده روحانیون متجدد برمی‌آید و درنهایت تصویب قوانینی که به‌جد مانع کودک‌همسری باشد و نیز نظارت دقیق و درست بر اجرای آن ازسوی حاکمیت آخرین راهی است که براساس یافته‌های این تحقیق برای پیشگیری از کودک‌همسری و تبعات منفی آن پیشنهاد می‌شود.

منابع فارسی

- آرون، ر. (۱۳۷۷). *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی* (باقر پرهام، مترجم). چاپ چهارم. علمی و فرهنگی.
- احمدی، ک. (۱۳۹۵). *طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران*. شیرازه.
- احمدی، ک. (الف ۱۴۰۰). *طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران*. خانواده درمانی ک. _____، ۲ (۲)، ۵۰۸-۵۲۷.
- 10.22034/afj.2022.338197.1533
- احمدی، ک. (ب ۱۴۰۰). *چالش‌های ازدواج زودهنگام کودکان در ایران از منظر حقوقی و دینی*. *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۷ (۲)، ۵۰-۲۸.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۳). *خشونت خانوادگی، زنان کتک‌خورده*. سالی.
- بهشتی، س. ص.، قاسمی، و.، قاضی طباطبایی، م.، و رفعت‌جاء، م. (۱۳۹۳). *تبیین جامعه‌شناختی تأثیر نگرش‌ها بر مصرف انرژی (مطالعه‌ای بر مصرف برق خانواده‌های شهر اصفهان)*. *کیفیت و بهره‌وری صنعت برق ایران*، ۳ (۲)، ۳-۱۰.
- 20.1001.1.23222344.1393.3.2.1.9
- حاجیلو، ف.، آقایی، ت.، و علی‌پور آبدار، ف. (۱۴۰۰). *علل زمینه‌ساز کودک‌همسری (مطالعه موردی زنان دارای*

- مطالعه؛ دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال). *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۲(۵)، ۵۷-۷۵. <https://www.sid.ir/paper/240183/fa>
- کبنانیوز. (۱۳۹۷). *معضلی به نام ازدواج دختران زیر ۱۳ در کهگیلویه و بویراحمد* (شماره ۴۰۱۸۸۵). قابل دسترس در: <https://www.kebnews.ir/news/401885>
- کوهی، ک. (۱۳۹۸). بررسی کودک‌همسری در کشور با تأکید بر استان آذربایجان شرقی. *حقوق کودک*، ۱(۳)، ۱۳۷-۱۵۹. <http://childrightsjournal.ir/article-۶۸-۱-fa.html>
- کلود، ت. (۱۳۷۹). *درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی* (مرتضی کتبی، مترجم). نی.
- گود، و. (۱۳۸۲). *خانواده و جامعه* (ویدا ناصحی، مترجم). ترجمه و نشر کتاب.
- مایرز، د. (۱۴۰۱). *روان‌شناسی اجتماعی* (حمید شمسی‌پور و شقایق زهرایی، مترجمان). ارجمند.
- محسنی، م. (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی در ایران*. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- محمدپور، ع. و تقوی، ن. (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی بالارفتن سن ازدواج جوانان. *مطالعات اجتماعی*، ۵(۲۰)، ۳۹-۵۳. <https://www.sid.ir/paper/222708/fa>
- مقدادی، م. م. و جوادپور، م. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن. *حقوق پزشکی*، ۱۱(۴)، ۳۱-۶۰. <http://ijmedicallaw.ir/article-۷۰۵-۱-fa.html>
- منوچهری، ح. (۱۳۹۹). مطالعه آسیب‌های کودک‌همسری با یک جهت‌گیری روانی اجتماعی. *ششمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی*. <https://civilica.com/doc/1042201>
- ولدخانی، م. محمدپور، ع. فرح‌بخش، ک. و سلیمی بجستانی، ح. (۱۳۹۵). تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱۷(۲۵)، ۱۷۳-۱۹۰.
- تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز). زن و جامعه، ۱۲(۴۸)، ۱۰۳-۱۱۶. <https://doi.org/10.30495/jzv.2022.28413.3610>
- درگاه ملی آمار (۱۴۰۰). *گزارش وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران*. مرکز آمار ایران. <https://www.amar.org.ir>
- راد، پ. (۱۳۸۷). *پدرسالاری، بن‌بست فمینیست‌ها تأملی در نسبت و رابطه میان زنان و مردان*. حوراء، ۲۷(۴)، ۱۷-۴۷. <https://lib.wrc.ir/scholar/view/1/11148>
- زارع شاه‌آبادی، ا. اسلامی، ب. و مهدی‌پور خراسانی، م. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی معلمان شهر یزد. *خانواده و پژوهش*، ۱۶(۱)، ۸۳-۱۰۰. [20.1001.1.26766728.1398.16.1.5.0](https://doi.org/10.126766728.1398.16.1.5.0)
- زمندی، ع. ا. (۱۳۹۹). *مطالعه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر کودک‌همسری در شهرستان جغتای در طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷* [پایان‌نامه منتشرنشده، کارشناسی ارشد]. دانشگاه پیام‌نور.
- ساروخانی، ب. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی خانواده*. سروش
- سلیمی، ع. (۱۳۸۸). *رویکردی کارکردی به دین؛ تأملی در سنجه‌های دینداری از منظر آموزه‌های اسلامی*. اسلام و علوم اجتماعی، ۱(۱)، ۱۱-۳۷.
- شریفی، س. (۱۳۸۹). *رویکرد ارزیابی پیامد: تغییر تمرکز پژوهش‌ها از موضوع «کاربر در زندگی کتابخانه» به «کتابخانه در زندگی کاربر»*. *کتابداری و اطلاع‌رسانی آستان قدس رضوی*، ۱۳(۳)، ۲۷۱-۲۹۱. https://lis.aqr-libjournal.ir/article_43523.html
- فرهمنند، م. دانافر، ف. و پورابراهیم‌آبادی، م. (۱۳۹۹). واکاوی تجارب زناشویی کودک‌همسری: درهم‌آمیختگی عاطفی-فکر و بی‌قدرتی. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۹(۱۷)، ۱۱۵-۱۴۵. [10.22084/csr.2021.22142.1833](https://doi.org/10.22084/csr.2021.22142.1833)
- غدیری، م. (۲۰۱۶). سن و رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر. *خانواده پژوهی*، ۱۲، ۱۳۹-۱۱۵.
- کاظمی‌پور، ش. ادریسی، ا. و صادق ویشکایی، ح. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر در میزان باروری در خانواده (مورد

- Naseh. Tehran Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Hajilou, F., Aghayari, T., & Alipour Abdar, F. (2022). The contextual causes of child marriage (A case study of women who have child marriage experience and recourse to health centers in Tabriz). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 12(48), 103-116. doi: 10.30495/jzv.2022.28413.3610 [In Persian]
- Hegland, M. E., & Karimi, M. (2021). *Child marriages and their results: Insights from women's stories*. In S. B. Hosseini (Ed.), *Temporary and Child Marriages in Iran and Afghanistan* (pp. 67-86). Springer, Singapore. DOI: 10.1007/978-981-33-4469-3_4
- Hosseini, S. B. (Ed.). (2021). *Temporary and child marriages in Iran and Afghanistan*. Historical Perspectives and Contemporary Issues. Springer Singapore. <https://doi.org/10.1007/978-981-33-4469-3>
- Kabana News. (2018). *A problem called the marriage of girls under 13 in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad*, article code 401885, available at: www.kebnaews.ir/news/401885 [In Persian]
- Kazempour, S., Idrisi, A., & Vishkaei, H. (2012). Social factors affecting fertility rate in the family (case study; married students of Islamic Azad University, North Tehran Branch). *Journal of Sociological Studies of Iran*, 2(5), 57-75. [In Persian]
- Koohi, K. (2019). A survey of child marriage in the country with emphasis on east Azarbaijan Province. *Child Rights*, 1 (3), 137-159. [In Persian]
- Manoochehri, H. (2011). *Studying the harms of child marriage with a psychosocial orientation*. The 6th International Conference on Psychology, Counseling and Educational Sciences. [In Persian]
- Meghdadi, M. M., & Javadpour, M. (2017). Impact of early marriage on children's sexual health and mechanisms of deal with it. *MLJ*, 11 (40), 31-60 [In Persian].
- Mohammadpour, A., & Taghavi, N. (2015). Social factors of increasing age of marriage. *Quarterly Journal of Social Studies*, 5(20), 39-53. [In Persian]
- Mohseni, M. (1999). *Survey of social-cultural awareness, attitudes, and behaviors in Iran*. Secretariat of the Council for Public Culture. [In Persian]
- Myers, D. (2016). *Social psychology*. translated by Hamid Shamsipour and Shaghayegh Zahrai, Tehran, Arjomand Publications. [In Persian]
- Parsons, J., Edmeades, J., Kes, A., Petroni, S., Sexton, M., & Wodon, Q. (2015). Economic impacts of child marriage: A review of the literature. *The Review of Faith & International Affairs*, 13(3), 12-22. DOI: 10.1080/15570274.2015.1075757
- Rad, P. (2008). Patriarchy, the feminists' deadlock; A <https://doi.org/10.22054/jcps.2017.7137>
- ویشته، ع. (۱۳۸۸). بازنگری حقوقی ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی. *مطالعات راهبردی زنان* (کتاب زنان)، ۱۲ (۴۵) (جرایم زنان - فقه و حقوق)، ۱۸۷-۲۲۴.
- <https://sid.ir/paper/93943/fa>
- ### References
- Ahmady, K. (2023). The nexus between temporary marriage and early child marriage in Iran. *Journal of Survey in Fisheries Sciences*, 10(1), 1809-1824. <https://sifisheressciences.com/index.php/journal/article/view/928>
- Ahmady, K. (2016). *An echo of silence: A comprehensive research on early child marriage in Iran*. Tehran. Shirazeh publication [In Persian]
- Ahmady, K. (2021). An echo of silence: A comprehensive research on early child marriage in Iran. *Journal of Applied Family Therapy*, 2(2), 508-527. [In Persian] doi: 10.22034/aftj.2022.338197.1533
- Ahmadi, K. (2016). Challenges of early child marriage in Iran from a legal and religious perspective. *Quarterly Journal of Psychological Studies and Educational Sciences*, 7(2), 50-28 [In Persian]
- Aron, R. (1998). *Basic stages of the process of thought in sociology*, translated by Baqer Parham, fourth edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Azazi, S. (2004) *Domestic violence, battered women*, Tehran: Sali [In Persian]
- Beheshty, S. S., Ghasemi, V., Ghazi Tabatabaei, S. M., & Rafatjah, M. (2015). A sociological explanation of the effect of attitudes on energy consumption. *IEUQP*, 3 (2), 3-10. [In Persian]
- Choi, N. G., & Ha, J. H. (2011). Relationship between spouse/partner support and depressive symptoms in older adults: Gender difference. *Aging & Mental Health*, 15(3), 307-317. Doi: 10.1080/13607863.2010.513042
- Farahmand, M., Danafar, F., & Poorebrahimabadi, M. (2021). Analysis of the marital experiences of the spouse's child: Emotional-intellectual and powerless fusion. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 9(17), 115-145. [In Persian] doi: 10.22084/csr.2021.22142.1833.
- Ghadiri, M. (2016). Age and consent to marriage in the light of international human rights law. *Journal of Family Research*, 12(1), 115-139. [In Persian]
- Ghosh, B. (2011). Child marriage, community, and adolescent girls: The salience of tradition and modernity in the Malda district of West Bengal. *Sociological Bulletin*, 60(2), 307-326. DOI: 10.1177/0038022920110206
- Goode, W. (2003). *Family and society*. Translated by

DOI: [10.20884/1.iphj.2020.1.1.2657](https://doi.org/10.20884/1.iphj.2020.1.1.2657)

- Zamandi, A. (2019). *Study of social and economic factors affecting child marriage in Joghatai County during the years 2015-2018*. Master's thesis, Payam Noor University, Parand Branch. [In Persian]
- Zare' Shahabadi, A., Eslami, B., MahdiPour Khorasani, M. (2019). The effect of social capital on teachers' job satisfaction in Yazd. *QJFR*, 16 (1), 83-100 [In Persian]
- Reflection on the Relationship between Men and Women. *Hoora Magazine*, 27, 4-17 [in persian].
- Salimi, A. (2010). A functional approach to religion; a reflection on the measures of religiosity from the perspective of Islamic teachings. *Two Quarterly Scientific-Specialized Journals of Islam and Social Sciences*, 1(1), 11-37 [In Persian]
- Sarukhani, B. (2011). *Family law society*, Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
- Segal-Engelchin, D., Huss, E., & Massry, N. (2015). The experience of early marriage: Perspectives of engaged and married Muslim women in Israel. *Journal of Adolescent Research*, 31(6), 725-749 . DOI: [10.1177/0743558415605167](https://doi.org/10.1177/0743558415605167)
- Sharifi, S. (2010). Outcome evaluation approach: Shifting the focus of research from "user in library life" to "library in user's life". *Journal of Librarianship and information*, 13(3), 271-291. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2021). *Report on the Social and Cultural Situation of Iran*. Available at: <https://www.amar.org.ir> [In Persian].
- Talukder, A, Hasan, M. M., Razu, S. R., Hossain, Z. (2020). Early marriage in Bangladesh: A cross-sectional study exploring the associated factors. *International Journal of Women's Studies*, 21(1), 68-78. <https://vc.bridgew.edu/jiws/vol21/iss1/6>
- Tallman, I., & Hsiao, Y. L. (2004). Resources, cooperation, and problem solving in early marriage. *Social Psychology Quarterly*, 67(2), 172-188. DOI: [10.1177/019027250406700204](https://doi.org/10.1177/019027250406700204)
- Tapia, C. (1999). *Introduction a la psychologie sociale*. Translated by: Morteza Kotobi, Tehran: Ney publication. [In Persian]
- Tilson, D., & Larsen, U. (2000). Divorce in ethiopia: The impact of early marriage and childlessness. *Journal of Biosocial Science*, 32(3), 355-372. DOI: [10.1017/S0021932000003552](https://doi.org/10.1017/S0021932000003552)
- UNICEF. (2007). State of the world's children 2007: Woman and children, the double dividend of gender equality. UNICEF house, 3 UN plaza, New York, NY10017, USA. <https://archive.crin.org/en/library/publications>
- Valadkhani, M., Mahmoudpour, A., Farahbakhsh, K., & Bajestani, H. S. (2017). The effects of partner-selection patterns, marriage age, and age differences between spouses on marital quality of married women in Tehran. *Clinical Psychology Studies*, 7(25), 173-190. [In Persian] doi: [10.22054/jcps.2017.7137](https://doi.org/10.22054/jcps.2017.7137).
- Vishteh, A. (2009). Legal revision of clause 1043 of Iranian civil law. *Women's Strategic Studies*, 12(45), 187-224. [In Persian]
- Widyastari, D. A. (2020). Revisiting the new Indonesia's marriage act 2019: will it be effective to prevent adolescent marriage. *Insights in Public Health Journal*, 1(1), 3-7.